

پیش بینی عملکرد تحصیلی برحسب خودپنداشت، عزت نفس و  
خودکنترلی در دانش آموزان ابتدایی

**Prediction of academic performance by self-concept, self-esteem and self-control in elementary students**

**Saeed Pournaghash Tehrani**  
Associate Professor, University of  
Tehran

دکترسعید پورنقاش تهرانی (نویسنده مسئول)  
دانشیار روان شناسی دانشگاه تهران

**Elham Fadavi Ardekani**  
University of Tehran

الهام فدوی اردکانی  
کارشناس ارشد روان شناسی دانشگاه تهران

**Maryam Nasri Tajabadi**  
University of Tehran

مریم نصری تاج آبادی  
کارشناس ارشد روان شناسی دانشگاه تهران

**Abstract**

The purpose of the present research was to assess the predictability of academic performance based on self-concept, self-esteem and self-control in student in elementary schools. To do this, 300 students were randomly selected and were asked to fill out relevant questionnaires. Students' academic performance were measured based on their school report cards' (very good, good, acceptable and needs extra

**چکیده**

یکی از مسائل مهم حوزه‌ی یادگیری آموزشی که پژوهش‌های فراوانی را به خود معطوف داشته، خودپنداره تحصیلی است. خودپنداره‌ی تحصیلی به ادراک یا تصویر دانش‌آموز از شایستگی‌های خود در رابطه با یادگیری آموزشی اشاره می‌کند که بر پیشرفت تحصیلی اثر می‌گذارد و همزمان از آن متأثر می‌شود. یکی از عوامل مهمی که شخص را وامی‌دارد که به گونه‌ای مؤثر عمل نماید و در کارهایش جدیت و پشتکار داشته باشد،

effort). Data were analyzed using pearson's regression and multivariate regression. Results indicated that there was significant relationship between self-concept, self-esteem and self-control and school performance. Furthermore, self-concept, self-esteem and self-control could explain academic performance to a large extent. These findings are discussed in the context of the literature.

**Key Words:** Academic self-concept, Self-Esteem, Self-Control, Academic Performance

عزت نفس است و بر اساس پژوهش‌های انجام‌گرفته مشخص شده که ازدست‌دادن حس کنترل و ایجاد نارضایتی فردی یکی از جنبه‌های مشخص عزت نفس پایین است. هدف اساسی پژوهش حاضر مشخص‌نمودن رابطه بین خودپنداره تحصیلی، عزت نفس و خودکنترلی با عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان دختر دوره‌ی ابتدایی می‌باشد. گروه نمونه شامل ۳۰۰ دانش‌آموز دختر بود که از آنان خواسته شد مقیاس خودپنداره تحصیلی لیو و وانگ و مقیاس عزت نفس روزنبرگ را تکمیل کنند. همچنین مقیاس ارزیابی خودکنترلی کندال و ویلکاکس (SCRS) توسط یکی از والدین دانش‌آموزان تکمیل شد. عملکرد تحصیلی هر یک از دانش‌آموزان برحسب وضعیت کارنامه تحصیلی‌شان (خیلی خوب، خوب، قابل قبول و نیازمند تلاش) می‌باشد که معلمان نمره‌ای معادل آن (از ۱۳ تا ۲۰) نسبت دادند. تحلیل داده‌ها با استفاده از همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیری انجام شد. نتایج نشان داد که بین خودپنداره تحصیلی، عزت نفس و خودکنترلی با عملکرد تحصیلی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. همچنین خودپنداره تحصیلی، عزت نفس و خودکنترلی واریانس عملکرد تحصیلی را تبیین می‌کند.

**واژه های کلیدی:** خودپنداره تحصیلی، عزت نفس، خودکنترلی و عملکرد تحصیلی  
امتحان و عملکرد تحصیلی.

## مقدمه

محققان برای بررسی رابطه بین پیش بینی کننده های متعدد و عملکرد تحصیلی وقت زیادی گذاشته اند. پیش بینی کننده ها برای سیستم تحصیلی مشابه با سیستم صنعتی بودند، به این دلیل که ما می توانیم توانایی های پیش بینی کننده تحصیلی را با توجه به عملکرد کاری نشان دهیم (روت و همکاران<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶، صفحات ۵۵۶-۵۴۸).

در جهان کنونی عملکرد تحصیلی از اهمیتی ویژه برخوردار است. جوامع پیشرفته و در حال پیشرفت تاکید زیادی بر روی عملکرد، رقابت و پیروزی دارند. عملکرد تحصیلی به تمامی درگیری های دانش آموز در محیط مدرسه اشاره دارد که دربرگیرنده ی خودکارآمدی، تاثیرات هیجانی، برنامه ریزی، فقدان کنترل پیامد و انگیزش می باشد (درتاج، ۱۳۸۳، به نقل از نو رمحمدیان، ۱۳۸۵).

یکی از مسائل مهم در حوزه ی یادگیری آموزشی که تلویحات تحقیقی فراوانی را به خود معطوف داشته، خود پنداره تحصیلی است. خود پنداره ی تحصیلی به ادراک یا تصویر دانش آموز از شایستگی های خود در رابطه با یادگیری آموزشی اشاره می کند که بر پیشرفت تحصیلی اثر می گذارد و همزمان از آن متأثر می شود. به نظر می رسد، خودپنداره ی تحصیلی و عملکرد تحصیلی رابطه ای دو سویه دارند (بلوم<sup>۲</sup>، ۱۹۸۲؛ ترجمه ی سیف، ۱۳۶۳). مارش و همکارانش<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) خود پنداره را در سه سطح طبقه بندی می کنند: خود پنداره ی کلی، خود پنداره ی تحصیلی و خود پنداره ی غیر تحصیلی و قلمرو های ویژه ی خود پنداره که به طور مستقیم با موضوع درس یا نوع فعالیت ارتباط دارد. در سطح اول خود پنداره ی کلی قرار دارد که مجموعه ای است از باور هایی که شخص درباره ی خود دارد، باور هایی که تغییر آن نسبتاً دشوار است. در سطح دوم دو قلمرو عمده ی تحصیلی و غیر تحصیلی وجود

<sup>1</sup> Roth et al

<sup>2</sup> Bloom

<sup>3</sup> Marsh et al

پیش بینی عملکرد تحصیلی برحسب خودپنداشت، عزت نفس و خودکنترلی در دانش آموزان ابتدایی

دارد. در سطح سوم قلمرو های خاص و ویژه ی خود پنداره که به طور مستقیم با موضوع درس یا نوع فعالیت ارتباط دارد، واقع شده است. این سطح تابعی از تجربه های روزانه ی ما است و احتمالاً بیشترین آمادگی را برای تغییر دارد. مطالعه ی بعدی مارش (۱۹۹۲) نشان داد که بین سه سطح خود پنداره رابطه وجود دارد. همچنین عملکرد کلامی با خود پنداره ی کلامی و پیشرفت ریاضی با خود پنداره ی مربوط به ریاضی ارتباط دارد (بنتهام<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲).

دانش آموزان خود پنداره ی تحصیلی خودشان را در هر یک از درس ها با استفاده از دو داوری شکل می دهند. نخست داوری بیرونی که در این شیوه مهارت های فرد در یک موضوع درسی با مهارت دانش آموزان دیگر مقایسه می شود، دوم داوری درونی که این شیوه مهارت های فرد در یک موضوع درسی با مهارت هایش در موضوع های درسی دیگر مقایسه می شود (نویدی، ۱۳۷۳). براساس نظریه ی یادگیری آموزشگاهی بلوم (۱۹۸۲، ترجمه ی سیف، ۱۳۶۳) رفتار های ورودی شناختی یعنی تاریخچه ی یادگیری قبلی فرد، هوش کلی، استعداد کلی، توانایی کلامی و سبک یادگیری و ویژگی ورودی عاطفی یعنی علائق، نگرش ها و عواطف دانش آموزان در ایجاد و شکل گیری خود پنداره ی تحصیلی آن ها مؤثر است.

یکی از عوامل مهمی که شخص را وا می دارد که به گونه ای مؤثر عمل نماید و در کارهایش جدیت و پشتکار داشته باشد، عزت نفس است. فردی که از عزت نفس پایین تری برخوردار است، خیلی راحت تر، از اهداف خود چشم پوشی کرده و بسیار آسان تر در جهتی که دیگران برای او برمی گزینند پا می گذارد (الیس<sup>۲</sup>، ۱۹۸۹). در جامعه ای که افراد آن از عزت نفس و خودپنداره بالایی برخوردار باشند، در مقابل انواع استرس ها، فشار های روانی، حوادث و مشکلات ناگهانی مقاوم و پایدار خواهند بود. نشانه های عزت نفس عبارتند از: تعهد و مسوولیت پذیری، توانایی برقراری

<sup>1</sup> Bentham

<sup>2</sup> Ellis

ارتباط سالم، تسلط و کنترل بر افکار و احساسات، ادراک صحیح از واقعیت، احساس مفید بودن، هدفمندی و خودآگاهی (اسد الهی و موسوی، ۱۳۷۶).

از طرفی، خودپنداره نه تنها نقش فوق العاده ای بر عزت نفس دارد بلکه اهمیت زیادی هم، در بهداشت روان دارد. زیرا خودپنداره ی فرد از شخصیت خود، تعیین کننده تصور او راجع به محیطش می باشد. اگر تصور از خود، مثبت و متعادل باشد شخص دارای سلامت روانی است و اگر تصور از خود، منفی و نامتعادل باشد شخص از لحاظ روانی، سالم شناخته نمی شود (بیابانگرد، ۱۳۸۲). منظور از خودپنداره (مفهوم خود) نگرش، ادراک و برداشتی است که شخص از خود دارد. پایه اصلی این خودپنداره عبارت است از احساس فرد نسبت به اندام و بدن خود، تصور از کل بدن، جنسیت و سن (برونر<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶). به عبارت دیگر خودپنداره، توصیفی است که فرد از خویشتن می نماید. اما عزت نفس عبارت از ارزشی است که اطلاعات درون خودپنداره، برای فرد دارد و از اعتقادات فرد در مورد تمام صفات و ویژگی هایی که در او هست، ناشی می شود. تصویر یا پنداری که فرد از خود دارد، برای او جنبه ی حیاتی دارد. این خودپنداره آموختنی است و هر چه را که فرد درباره ی خود می داند از تجارب گذشته او سرچشمه می گیرد که در میان آن ها تجارب اجتماعی، اهمیت بیشتری دارد (بیابانگرد، ۱۳۸۲).

اگر چه خودتنظیمی با کلمات خودکنترلی، خویشتن داری و خودفرمانی مترادف است اما تعاریف متعددی از آن وجود دارد که از چشم اندازهای نظری گوناگون در یادگیری خودتنظیمی ناشی می شود. یادگیری خودتنظیمی عبارت از توانایی مشارکت فعال از نظر فراشناختی، انگیزشی و رفتاری در فرآیند یادگیری است. یادگیرندگان خودتنظیم در دانش فراشناختی مهارت داشته و می دانند چگونه فرآیندهای ذهنی خود را در جهت پیشرفت و اهداف فردی سوق دهند. هم چنین آن ها در مراحل مختلف یادگیری اقدام به برنامه ریزی، خودنظارتی، خودکنترلی و خودسنجی می کنند. از نظر

---

<sup>1</sup> Bruner

پیش بینی عملکرد تحصیلی برحسب خودپنداشت، عزت نفس و خودکنترلی در دانش آموزان ابتدایی

انگیزشی این نوع از یادگیری به داشتن باورها و نگرش‌های انطباقی مناسب در حوزه‌ی تحصیلی به ویژه علاقه‌مندی در انجام تکالیف تحصیلی و تلاش و پشتکار لازم در این زمینه، کمک فراوانی نموده و سبب می‌شود فرد خود را لایق، خودکارآمد و مستقل تصور نماید. هم‌چنین از نظر رفتاری، این یادگیرندگان قادرند محیط‌هایی را برای یادگیری بهینه، انتخاب، پی‌ریزی و خلق نمایند.

در پی مطالعاتی که الیسون<sup>۱</sup> (۱۹۸۳)، به نقل از بیابانگرد، (۱۳۷۶) انجام داد، مشخص شد که از دست دادن حس کنترل و ایجاد نارضایتی فردی یکی از جنبه‌های مشخص عزت نفس پایین بوده است. در بررسی‌هایی که بر روی افراد دارای عزت نفس پایین صورت گرفته، علائمی چون: شکایت جسمانی، افسردگی، اضطراب، کاهش سلامت عمومی بدن، بی تفاوتی و احساس تنهایی، تمایل به اسناد شکست خود به دیگران، عدم رضایت شغلی و کاهش عملکرد، موفقیت آموزشی و داشتن مشکلات بین فردی، گزارش شده است.

نکته دیگری که در پژوهش حاضر روی آن تأکید شده است موضوع پیشرفت تحصیلی است و عواملی که روی آن تأثیر دارد که سعی می‌شود به طور اجمال بدان پرداخته شود. مثلاً یکی از مباحث مهم در روان‌شناسی و تعلیم و تربیت مسأله تفاوت‌های فردی است. افراد نه تنها از نظر ویژگی‌های بدنی با یکدیگر متفاوت اند، بلکه از نظر سایر ویژگی‌های روان‌شناختی و شخصیتی، از قبیل هوش، انگیزه، اعتماد به نفس، توجه و... و همچنین شرایط و محیط خانوادگی و اجتماعی با یکدیگر تفاوت دارند.

برای پی بردن به علل این تفاوت‌ها لازم است که به علل وراثتی و محیطی و تأثیر متقابل این دو عامل بر هم اشاره شود. افراد از یک طرف با خصوصیات و صفات وراثتی معین و متفاوتی به دنیا می‌آیند و از طرف دیگر در شرایط و محیط‌های گوناگون پرورش می‌یابند، بنابراین تفاوت‌های افراد نتیجه کنش متقابل بین محیط و

<sup>1</sup> Allisson

وراثت است. مهم ترین عوامل فردی که در پیشرفت تحصیلی (و یا افت تحصیلی) نقش دارند عبارت اند از: داشتن هدف، عزت نفس، انگیزه، اضطراب، روش مطالعه، هوش، توجه، برنامه ریزی، جنسیت، عوامل بدنی، نارسا خوانی، سازش نایافتگی رفتاری، شرایط عاطفی و روانی و غیبت از مدرسه. بر این اساس فرضیه های پژوهش حاضر عبارتند از: ۱- بین خود پنداره تحصیلی و عملکرد تحصیلی رابطه وجود دارد؛ ۲- بین عزت نفس و عملکرد تحصیلی رابطه وجود دارد؛ ۳- بین خودکنترلی و عملکرد تحصیلی رابطه وجود دارد. ۴- خود پنداره، عزت نفس و خود کنترلی سهم قابل توجهی از واریانس عملکرد تحصیلی را در نمونه ی دانش آموزشی دختر تبیین می کنند. با بررسی این فرضیه ها عملکرد تحصیلی برحسب خودپنداره، عزت نفس و خودکنترلی مورد کنکاش قرار می گیرد.

### روش

#### جامعه، نمونه و روش اجرای پژوهش

پژوهش حاضر در چهارچوب یک طرح غیرآزمایشی، از نوع همبستگی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه دانش آموزان (دختر) مدارس ابتدایی شهرستان اردکان در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ بودند. نمونه مورد بررسی در این تحقیق ۳۰۰ نفر می باشد که در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ در دبستان های دخترانه شهرستان اردکان مشغول تحصیل هستند. روش انتخاب نمونه نیز به این شکل می باشد: نخست، دو منطقه آموزشی (یک منطقه از شمال و یک منطقه از جنوب شهر اردکان) انتخاب می شود. در انتخاب این دو منطقه طوری عمل می شود که دانش آموزان یکی از آن ها نماینده ی طبقه اجتماعی - اقتصادی بالا و دانش آموزان منطقه دیگر نماینده ی طبقه اجتماعی - اقتصادی پایین باشند.

سپس از بین دبستان های دولتی هر منطقه یک دبستان به طور تصادفی انتخاب می شود؛ یک دبستان از شمال شهر و یک دبستان از جنوب شهر. آزمودنی ها با رعایت اصول نمونه گیری تصادفی (تصادفی چند مرحله ای) از بین دانش آموزان پایه های

پیش بینی عملکرد تحصیلی برحسب خودپنداشت، عزت نفس و خودکنترلی در دانش آموزان ابتدایی

چهارم، پنجم و ششم ابتدایی انتخاب می شوند. برای انجام مطالعه مجموعاً ۳۰۰ نفر (۱۵۰ نفر از شمال و ۱۵۰ نفر از جنوب شهر) از سه پایه تحصیلی یاد شده انتخاب می شوند. از شرکت کنندگان خواسته شد که مقیاس خودپنداره تحصیلی لیو و وانگ و مقیاس عزت نفس روزنبرگ را تکمیل کنند.

### ابزارها

**عملکرد تحصیلی:** عملکرد تحصیلی به توانایی آموخته شده یا اکتسابی فرد در موضوعات آموزشی اطلاق می شود که توسط معلمان برحسب وضعیت کارنامه تحصیلی دانش آموزان (خیلی خوب، خوب، قابل قبول و نیازمند تلاش) نمره ای معادل آن که از ۱۳ تا ۲۰ می باشد داده شده است.

**سنجش خودپنداشت:** پرسش نامه خود پنداره ی تحصیلی لی یو و وانگ (۱۹۸۴) شامل دو خرده مقیاس می باشد: زیر مقیاس "اعتماد تحصیلی" (۱۰ گویه) و زیر مقیاس "تلاش تحصیلی" (۱۰ گویه). خرده مقیاس اعتماد تحصیلی، احساسات و ادراکات دانش آموزان را درباره صلاحیت تحصیلی آن ها اندازه گیری می کند. خرده مقیاس تلاش تحصیلی، تعهد (سرسپردگی) دانش آموزان و درگیری و علاقه به کار در مدرسه را اندازه می گیرد. شیوه نمره گذاری به صورت ۴ درجه ای می باشد. (بله همیشه، نمره ۴) و (خیر همیشه، نمره ۱). گویه های فرد (۱، ۳، ۵، ۷، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۷ و ۱۹) خرده مقیاس اعتماد تحصیلی را تشکیل می دهند. گویه های زوج (۲، ۴، ۶، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۸ و ۲۰) تلاش تحصیلی را اندازه گیری می کنند. در این پرسش نامه نمرات دامنه ای از ۲۰ تا ۸۰ دارند. شایان ذکر است که در این پرسش نامه سوالات (۲، ۴، ۷، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷ و ۲۰) به صورت منفی جمله بندی شده اند.

**سنجش عزت نفس:** پرسش نامه عزت نفس روزنبرگ یک مقیاس ده سوالی مبتنی بر خودسنجی است و عزت نفس را مورد سنجش قرار می دهد هر گزاره این مقیاس

دارای ۴ گزینه است که دامنه آن از خیلی موافق (نمره ۴) تا کاملاً مخالف (نمره ۱) گسترده است.

نمره گذاری این مقیاس برحسب جهت مثبت و منفی بودن سوال به صورت مستقیم و معکوس انجام می گیرد نتایج پژوهش پالمن و آلیک (۲۰۰۰) نشان داده است که ضریب روایی درونی این مقیاس ۰,۸۴ است که با نتایج پژوهش روزنبرگ (۱۹۷۹) بسیار مشابه است ضرایب همبستگی بازآزمایی با فاصله زمانی دو هفته پنج ماه و یک سال به ترتیب ۰,۸۴، ۰,۸۶، ۰,۶۲ گزارش شده است همچنین پالمن و آلیک (۲۰۰۰) نشان داده اند که همبستگی های عزت نفس روزنبرگ با ویژگی هایی مانند افسردگی (۰,۵۹-) مقیاس خودپنداره آشکار (۰,۴۱) اضطراب (۰,۴۲) خصومت (۰,۳۹-) روان رنجور خوئی (۰,۵۹-) و برون گرایی (۰,۳۱) نشانگر روایی مناسب ابزار هستند در پژوهش محمدی (۱۳۸۴) بر روی ۱۸۵ نفر از دانشجویان دانشگاه شیراز پایایی پرسشنامه عزت نفس روزنبرگ از طریق سه روش آلفای کرونباخ بازآزمایی و دو نیمه سازی به ترتیب ۰,۶۹، ۰,۷۸ و ۰,۶۸ بودند.

روایی همزمان این مقیاس با به کارگیری پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت و خرده مقیاس های افسردگی و اضطراب از چک لیست نشانه های بیماری ۹۰ تجدید نظر شده برآورد شده و بین عزت نفس روزنبرگ و عزت نفس کوپر اسمیت همبستگی مثبت معنادار ۰,۶۱ و بین عزت نفس با اضطراب و افسردگی به ترتیب همبستگی منفی معنادار ۰,۴۳- و ۰,۵۴- به دست آمده است.

**سنجش خودکنترلی کندال و ویلکاکس (SCRS):** در این پژوهش از پرسش نامه اندازه گیری خود کنترلی کندال و ویلکاکس برای جمع آوری اطلاعات استفاده گردید. این مقیاس در سال ۱۹۷۹ توسط کندال و ویلکاکس در دانشگاه مینه سوتا ساخته شده است و شامل ۳۳ سوال می باشد که ۱۰ سوال آن مربوط به خود کنترلی، ۱۳ سوال آن مربوط به تکانش گری و ۱۰ سوال آن نیز مربوط به هر دو (تکانش گری- خود

پیش بینی عملکرد تحصیلی برحسب خودپنداشت، عزت نفس و خودکنترلی در دانش آموزان ابتدایی

کنترلی) می باشد. پایایی درونی اس سی آر اس<sup>۱</sup>، ۰/۹۸ می باشد که توسط آلفای کرنباخ (۱۹۵۱) بیان شده است. این شاخص پایایی، درجه بالایی از پیوستگی درونی را بین مواد SCRS پیشنهاد می کند. پایایی آزمون - باز آزمون در طول ۳-۴ هفته برای یک نمونه (N=24) در گروه کنونی ۰/۸۴ بود. پیوستگی درونی و پایایی آزمون- باز آزمون SCRS بالا می باشد و یک مقیاس درجه بندی پایا و مشابه پیشنهاد می کند. همچنین پایایی آزمون توسط لوراکای موری مورد تایید قرار گرفته است (موری، ۲۰۰۲). در ایران چون این آزمون برای اولین بار مورد استفاده قرار می گیرد، پس از ترجمه توسط همتی (۱۳۸۳) و ویرایش و روایی محتوایی آن مورد تایید قرار گرفت. همچنین پایایی آزمون توسط همتی (۱۳۸۳) با استفاده از روش آلفای کرنباخ بر روی یک نمونه صد نفری از دانش آموزان شهر تهران ۹۸٪ محاسبه گردید.

### روش اجرا

محقق شخصا با حضور در مدارس یاد شده و توجیه و جلب همکاری دانش آموزان برای شرکت در پژوهش حاضر، پرسش نامه های (خودپنداره، عزت نفس و خودکنترلی) تحقیق را در اختیار دانش آموزان قرار داد تا به همراه خود به منزل برده و با حوصله فراوان پاسخ دهند همچنین پرسش نامه خودکنترلی نیز توسط یکی از والدین پاسخ داده شد. عملکرد تحصیلی دانش آموزان نیز با توجه به معدل های آن ها در پایان ترم (خیلی خوب، خوب، قابل قبول و نیازمند تلاش) و نسبت دادن نمره ای توسط معلمان سنجیده شد. تعداد پرسش نامه های پخش شده ۳۶۰ مورد بود که به دلایل مختلف از جمله کامل نبودن همه پرسش نامه ها یا برنگرداندن تعدادی، در پایان ۳۰۰ تا پرسش نامه برای کارهای آماری انتخاب شد.

<sup>1</sup> Self-control Rating Scale

## یافته ها

ابتدا اطلاعات توصیفی و نیز نرمال بودن داده‌ها به تفکیک هر یک از متغیرها ارائه می‌شود و سپس نتایج مربوط به فرضیه‌های پژوهشی ارائه می‌گردد. در بخش فرضیه-های پژوهشی از آزمون همبستگی پیرسون، رگرسیون چند متغیری استفاده شد.

## اطلاعات توصیفی

در جداول ۱-۱ الی ۳-۱ اطلاعات توصیفی مربوط به خودپنداره تحصیلی، عزت نفس، خودکنترلی و عملکرد تحصیلی ارائه شده است. همچنین برای بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کلموگروف اسمیرنوف استفاده شد که نتایج آن به تفکیک هر متغیر در جدول ۱-۳ ارائه شده است.

جدول ۱-۱- توزیع فراوانی- درصدی به تفکیک پایه تحصیلی دانش‌آموزان

پایه	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی تراکمی
پایه چهارم	۴۰	۱۳/۳	۱۳/۳
پایه پنجم	۱۳۶	۴۵/۳	۵۸/۷
پایه ششم	۱۲۴	۴۱/۳	۱۰۰

همانطور که در جدول ۱-۲ مشاهده می‌شود، دانش‌آموزان پایه‌ی چهارم با ۱۳/۳ درصد کمترین تعداد اعضای نمونه و دانش‌آموزان پایه پنجم با ۴۵/۳ درصد بیشترین تعداد اعضای نمونه را دارا می‌باشند. بعلاوه با توجه به جدول ۱-۲، میانگین سنی دانش‌آموزان اعضای نمونه ۱۱/۵۱ سال می‌باشد.

جدول ۱-۲- میانگین و انحراف استاندارد سن دانش‌آموزان به تفکیک پایه‌ی تحصیلی

پایه	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه	تعداد
پایه چهارم	۱۰/۰۵	۰/۲۲۱	۱۰	۱۱	۴۰
پایه پنجم	۱۱/۲۱	۰/۴۷۳	۱۰	۱۲	۱۳۶
پایه ششم	۱۲/۳۱	۰/۶۱۶	۱۱	۱۳	۱۲۴
مجموع	۱۱/۵۱	۰/۹۲۷	۱۰	۱۳	۳۰۰

پیش بینی عملکرد تحصیلی برحسب خودپنداشت، عزت نفس و خودکنترلی در دانش آموزان ابتدایی

اطلاعات مربوط به چگونگی توزیع داده‌ها به تفکیک هر متغیر در جدول ۱-۳ ارائه شده است که با توجه سطح معناداری آزمون کلوموگروف اسمیرنوف، داده‌های مربوط به خودپنداره تحصیلی، عزت نفس و خودکنترلی از توزیع نرمال برخوردارند و تنها داده‌های عملکرد تحصیلی فاقد توزیع نرمال می‌باشند ( $P < 0/05$ ).

جدول ۱-۳- آماره توصیفی متغیرهای خودپنداره تحصیلی، عزت نفس، خودکنترلی و عملکرد

تحصیلی						
منابع تغییر	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی	آماره Z	سطح معناداری
خودپنداره اعتماد تحصیلی	۲۹/۳۷	۵/۶۷۱	-۰/۲۹	-۰/۳۵	۱/۱۳	۰/۱۴
خودپنداره تلاش تحصیلی	۲۹/۷۹	۵/۴۳۰	-۰/۳۱	-۰/۳۷	۱/۰۶	۰/۲۱
عزت نفس	۲۳/۵۹	۳/۸۳۴	-۰/۰۱	-۰/۱۶	۱/۱۲	۰/۱۵
خودکنترلی	۴۶/۵۲	۲/۶۷۰	۰/۱۱	۰/۷۹	۱/۲۵	۰/۰۸
عملکرد تحصیلی	۱۶/۷۱	۲/۲۲۷	-۰/۱۰	-۰/۹۶	۱/۵۵	۰/۰۱۶

توجه: آماره Z = آماره مربوط به آزمون کالموگروف اسمیرنوف.

در جدول ۱-۵- نتایج مربوط به ماتریس همبستگی بین خودپنداره تحصیلی، عزت نفس، خودکنترلی و عملکرد تحصیلی ارائه می‌شود.

جدول ۱-۵- ماتریکس همبستگی خودپنداره تحصیلی، عزت نفس، خودکنترلی و عملکرد تحصیلی

خودکنترلی	عزت نفس	خودپنداره تحصیلی	اعتماد	خودپنداره تحصیلی	عملکرد تحصیلی	رابطه
					عملکرد تحصیلی	۱
					خودپنداره اعتماد	*۰/۱۳۶
					تحصیلی	۱
					خودپنداره تلاش	*۰/۱۴۱
					تحصیلی	**۰/۵۳۸
					عزت نفس	**۰/۲۳۲
					عزت نفس	**۰/۲۵۸
					عزت نفس	**۰/۴۱۵
					خودکنترلی	*۰/۱۱۹
					خودکنترلی	*۰/۱۱۶
					خودکنترلی	۰/۰۱۴
					خودکنترلی	-۰/۰۳

\*  $P < 0.05$ , \*\*  $P < 0.01$ 

## آزمون فرضیه‌های پژوهشی

**فرضیه اول:** بین خودپنداره تحصیلی و عملکرد تحصیلی رابطه وجود دارد.

به منظور بررسی رابطه بین خودپنداره تحصیلی و عملکرد تحصیلی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد و مشخص شد رابطه مثبت معناداری بین خودپنداره و عملکرد تحصیلی وجود دارد به طوری که خودپنداره اعتماد تحصیلی ۱/۸ درصد و خودپنداره تلاش تحصیلی ۱/۹ درصد از واریانس عملکرد تحصیلی را تبیین می‌کند.

**فرضیه دوم:** بین عزت نفس و عملکرد تحصیلی رابطه وجود دارد.

به منظور بررسی رابطه بین عزت نفس و عملکرد تحصیلی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد و مشخص شد رابطه مثبت معناداری بین عزت نفس و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان وجود دارد به طوری که عزت نفس ۱۷/۲ درصد از واریانس عملکرد تحصیلی را تبیین می‌کند.

**فرضیه سوم:** بین خودکنترلی و عملکرد تحصیلی رابطه وجود دارد.

پیش بینی عملکرد تحصیلی برحسب خودپنداشت، عزت نفس و خودکنترلی در دانش آموزان ابتدایی

به منظور بررسی رابطه بین خودکنترلی و عملکرد تحصیلی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد و مشخص شد رابطه مثبت معناداری بین خودکنترلی و عملکرد تحصیلی وجود دارد به طوری که خودکنترلی ۱/۴ درصد از واریانس عملکرد تحصیلی را تبیین می‌کند.

**فرضیه چهارم:** خودپنداره تحصیلی، عزت نفس و خودکنترلی واریانس عملکرد تحصیلی را تبیین می‌کند.

به منظور مشخص کردن سهم متغیرهای خودپنداره تحصیلی، عزت نفس و خودکنترلی در تبیین واریانس عملکرد تحصیلی از آزمون تحلیل رگرسیون خطی چندگانه، به روش گام به گام استفاده شد. از این رو ابتدا به منظور اطمینان از رعایت پیش فرض این آزمون (منظور عدم هم‌خطی) از آماره تولرنس و تورم واریانس (VIF) استفاده شد و در هر دو برابر یک بود که بیانگر رعایت مفروضه‌ی عدم هم‌خطی بین متغیرهای پیش‌بین می‌باشد.

جدول ۱-۶- رگرسیون عملکرد تحصیلی از روی متغیرهای خودپنداره تحصیلی، عزت نفس و خودکنترلی

مدل	R	R <sup>2</sup>	تبدیل شده R <sup>2</sup>	ΔR <sup>2</sup>	ΔF	Beta
۱	۰/۴۱۵	۰/۱۷۲	۰/۱۷۰	۰/۱۷۲	***۶۲/۰۶	**۰/۴۱۵

توجه: ۱= عزت نفس (متغیرهای خودکنترلی، خودپنداره اعتماد تحصیلی و خودپنداره تلاش تحصیلی به دلیل عدم تغییر معنادار در میزان R<sup>2</sup> از مدل خارج شدند)، R= ضریب همبستگی چندگانه، R<sup>2</sup>= ضریب تبیین، ΔR<sup>2</sup>= مجذور تغییر ضریب همبستگی چندگانه، ΔF= آماره تحلیل واریانس مربوط به مجذور تغییر ضریب همبستگی چندگانه، Beta= ضریب رگرسیون استاندارد، P<۰/۰۰۰۱\*\*\*.

همانطور که در جدول ۱-۶ مشاهده می‌شود، از بین متغیرهای وارد شده به تحلیل برحسب میزان همبستگی با عملکرد تحصیلی (به ترتیب عزت نفس، خودپنداره تلاش تحصیلی، خودپنداره اعتماد تحصیلی و خودکنترلی) تنها متغیر عزت نفس در مدل باقی ماند و ۱۷/۲ درصد از واریانس عملکرد تحصیلی را تبیین می‌کند و بیانگر آن است که از بین متغیرهای وارد شده به تحلیل تنها متغیر عزت نفس، به طور معناداری پیش‌بینی کننده‌ی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان می‌باشد.

### بحث

پژوهش حاضر با هدف پیش بینی عملکرد تحصیلی برحسب خودپنداره، عزت نفس و خودکنترلی اجرا گردید.

جامعه آماری مطالعه حاضر را کلیه دانش آموزان (دختر) ابتدایی شهرستان اردکان در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ تشکیل می‌دادند که تعداد ۳۰۰ نفر از این افراد به شیوه نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارت اند از: پرسش نامه خود پنداره ی تحصیلی لی یو و وانگ، پرسش نامه عزت نفس کوپراسمیت و سنجش خودکنترلی کندال و ویلکاکس. نتایج مطالعه حاکی از آن بود که خودپنداره تحصیلی، عزت نفس و خودکنترلی با عملکرد تحصیلی رابطه معنادار دارند.

پس از جمع آوری پرسشنامه ها و ورود داده‌ها، جداول فراوانی و درصدی ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه تحقیق و جداول همبستگی تهیه و به فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر پاسخ داده شد.

در فرضیه اول بین خودپنداره تحصیلی و عملکرد تحصیلی رابطه معنادار وجود دارد. با توجه به اطلاعات به دست آمده، می‌توان نتیجه گرفت که بین خودپنداره تحصیلی و عملکرد تحصیلی همبستگی معناداری وجود دارد. بدین صورت که هر چه خودپنداره ی تحصیلی بالاتر باشد، عملکرد تحصیلی بالاتری را به همراه خواهد

پیش بینی عملکرد تحصیلی برحسب خودپنداشت، عزت نفس و خودکنترلی در دانش آموزان ابتدایی

داشت. یافته های این پژوهش با پژوهش نویدی (۱۳۷۳) همسو می باشد که دریافت بین خودپنداره تحصیلی دانش آموزان و عملکرد تحصیلی آنان همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد و از روی اندازه های خودپنداره ی تحصیلی می توان عملکرد تحصیلی را پیش بینی کرد. تحقیق او نشان داد که با افزایش حجم تجارب تحصیلی رابطه ی خودپنداره ی تحصیلی با پیشرفت تحصیلی مستحکم تر می شود.

همچنین یافته های این پژوهش با پژوهش های گلاور (۱۹۹۰)، چایمن و لامبرون (۱۹۹۰)، مارش (۱۹۹۲)، بیرن باربارا (۱۹۹۸)، مارش و همکاران (۱۹۹۹)، ریکاردز (۲۰۰۱)، چن (۲۰۰۴)، نویدی تازه کند (۱۳۷۳) و خلیلی (۱۳۷۹) همسویی دارد. برای مثال تحقیق مارش و همکاران (۱۹۹۰) نشان داد که بین حوزه های خاص خودپنداره و عملکرد تحصیلی همبستگی مثبت وجود دارد. همچنین براساس تحقیق چن (۲۰۰۴) خودپنداره تحصیلی، عملکرد تحصیلی بالا را پیش بینی می کند و خود پنداره تحصیلی مثبت تأثیری قوی تر از انگیزش تحصیلی بر روی عملکرد تحصیلی داشت. این تأثیرات در مورد نمرات امتحانات پایانی به مقدار زیادی معنادار بود. با توجه به این که روش نمونه گیری و ابزار به کار رفته برای سنجش خودپنداره در این پژوهش با پژوهش چن (۲۰۰۴) شبیه بوده است نتایج به دست آمده نیز همسو بوده است. نویدی (۱۳۷۳) در پژوهشی دریافت که بین خودپنداره تحصیلی دانش آموزان و عملکرد تحصیلی آنان همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد و از روی اندازه های خودپنداره ی تحصیلی می توان عملکرد تحصیلی را پیش بینی کرد. تحقیق او نشان داد که با افزایش حجم تجارب تحصیلی رابطه ی خودپنداره ی تحصیلی با پیشرفت تحصیلی مستحکم تر می شود. از نظر خودپنداره تحصیلی بین پسران موفق و ناموفق دوره ی ابتدایی تمایز آشکاری وجود دارد. از آن جایی که این مطالعه صرفا بر روی پسران انجام گرفته، مطالعات جنسیتی نوجوانان نیز بایستی در این زمینه صورت گیرد تا احتمال وجود تفاوت های جنسیتی در این زمینه را بتوان مطالعه کرد.

پژوهش خلیلی (۱۳۷۹) نشان داد که عوامل اجتماعی در خودپنداره و عملکرد تحصیلی دانش آموزان مؤثر است. او دریافت که هفت متغیر بر خودپنداره ی تحصیلی اثر مستقیم دارند: بازنگری رفتار و موقعیت، انتظارات والدین، بازنگری معلمان، تعادل دانش آموز- معلم، بازخورد های مثبت معلمان و بازخورد های منفی در مسیر خودپنداره ی تحصیلی.

کار و کورتز-کاستز (۱۹۹۴)؛ از خودپنداره به عنوان پیش بینی کننده سازگاری تحصیلی استفاده کردند و به این نتیجه رسیدند که بعد تحصیلی و علمی خودپنداره (خودپنداره تحصیلی) و عوامل درگیر در آن، ظرفیت پیش بینی عملکرد تحصیلی در ادبیات و ریاضیات را دارد.

سنجز و رودا (۲۰۰۳)، رابطه بین خودپنداره و عملکرد تحصیلی در دانش آموزان ابتدایی را مورد مطالعه قرار دادند که نتایج آن نشان داد خودپنداره کلی، عملکرد تحصیلی را پیش بینی می کند حمایت می کنند و همچنین بیان می کند که خودپنداره غیر تحصیلی، عملکرد تحصیلی منفی را در دروس هنر، زبان و ریاضیات پیش بینی می کند، در حالی که خودپنداره تحصیلی، پیشرفت کلی مثبتی را در این دروس پیش بینی می کند. بنابراین نتایج این مطالعه الزام توجه کافی به خودپنداره تحصیلی و عزت نفس را دوچندان می کند. همچنین این نتایج نشان دهنده ی آن هستند که معلمان نیاز به آموزش دوره های مخصوص در موضوعات روانشناختی خاص دانش آموزان دارند تا بتوانند به افزایش خودپنداره و عزت نفس آن ها در زمینه های تحصیلی کمک کنند.

در فرضیه دوم بین عزت نفس و عملکرد تحصیلی رابطه معنادار وجود دارد. با توجه به اطلاعات به دست آمده، می توان نتیجه گرفت که بین عزت نفس و عملکرد تحصیلی همبستگی معناداری وجود دارد. بدین صورت که هر چه عزت نفس بالاتر باشد، عملکرد تحصیلی بالاتری را به همراه خواهد داشت. یافته های این پژوهش با پژوهش رابینسون و همکارانش (۱۹۸۶) همسو می باشد که دریافتند سطوح بالای خودپنداره، عزت نفس به طور معناداری با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دبیرستانی

پیش بینی عملکرد تحصیلی برحسب خودپنداشت، عزت نفس و خودکنترلی در دانش آموزان ابتدایی

رابطه دارد. نتایج این مطالعه به این نکته اشاره دارد که هر قدر عزت نفس دانش آموزان بالاتر باشد، ادراک آن ها از خود به عنوان فردی فعال و توانا نیز افزایش می یابد که این موضوع به نوبه خود می تواند باعث ارتقاء و افزایش تلاش آن ها در راستای هدف گذاری که منجر به یادگیری مطالب جدید می گردد، شود. لازم به ذکر است مطالعه تفاوت های جنسیتی بین دانش آموزان مقاطع مختلف تحصیلی در خصوص ارتباط بین این دو متغیر می تواند کمک مؤثری به معلمان و آموزگاران دوره های متفاوت تحصیلی کند. علاوه بر این، مشاوران تحصیلی نیز می توانند از نتایج این تحقیق بهره مند شوند. همچنین، در انجام این گونه از تحقیقات متغیر استرس دانش آموزان در مقاطع تحصیلی مختلف نیز می بایستی در نظر گرفته شود چرا که استرس می تواند باعث کاهش عملکرد تحصیلی دانش آموزان شود. در این صورت، علی رغم بالا بودن عزت نفس، استرس زیاد می تواند باعث کاهش عملکرد تحصیلی گردد که این موضوع می بایستی به طور دقیق مورد بررسی قرار گیرد به عبارت دیگر، می بایستی مقایسه ای میان نقش استرس و عزت نفس در خصوص تأثیرگذاری هر یک از آن ها بر عملکرد تحصیلی انجام پذیرد.

علی اصغر بیانی (۱۳۸۸) عزت نفس و پیشرفت تحصیلی را مورد مطالعه قرار داد که ارتباط منفی معناداری بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی یافت شد که این یافته هم راستا با مطالعات قبلی و مطالعه فعلی می باشد. همچنین بر طبق این مطالعه دانش آموزان پسر عزت نفس بیش تری نسبت به دانش آموزان دختر داشتند.

ویلیام اودینگا اکوکو (۲۰۰۹) عزت نفس و عملکرد تحصیلی دانش آموزان در مدارس متوسطه عمومی در نیدهیوا، منطقه کنیا؛ را مورد مطالعه قرار داد نتیجه ای که به دست آمد این بود که عزت نفس افراد بر روی عملکرد تحصیلی شان به طور مثبت یا منفی تأثیر می گذارد. یک فردی که ارزش خود شناخته شده دارد برای رسیدن به برتری تحصیلی سخت در تلاش است. دانش آموزانی که توسط والدین شان مهم

<sup>1</sup> NDHIWA

شناخته شدند در خود برای یادگیری انگیزه احساس می کردند و برای خود آینده ای روشن پیش بینی می کردند. چنین دانش آموزانی توسط والدین و همچنین معلمان دارای افتخار پرورش یافته اند. معلمان نیز با دادن پاداش و تشویق هایی، به تلاش دانش آموزان بها می دهند. دانش آموزانی که ضعیف تر بودند علایم ناامیدی را نشان دادند و معتقد بودند با وجود کار سخت نمی توانند نمره های خوبی کسب کنند.

در فرضیه سوم بین خودکنترلی و عملکرد تحصیلی رابطه وجود دارد. با توجه به اطلاعات به دست آمده، می توان نتیجه گرفت که بین خودکنترلی و عملکرد تحصیلی همبستگی معناداری وجود دارد. در مورد این بررسی هیچ پژوهشی یافت نشد. دانش آموزانی که خودکنترلی بالایی دارند احتمال ترک تحصیل بسیار پایین تری دارند و نیز از نمرات بالاتر نسبت به دانش آموزان دارای خودکنترل پایین تری هستند برخوردارند. علاوه بر این، این دسته از دانش آموزان وقت بیش تری را صرف تکالیف مدرسه می کنند همچنین دارا بودن خودکنترلی بالا می تواند به عنوان یک عامل پیش بینی کننده ی قوی در دستیابی به نمرات بالا در آزمون های استاندارد باشد. زیتلر (۲۰۱۱) خودکنترلی و عملکرد تحصیلی: دو رشته مطالعات بر روی رفتار شهروندی دانشگاه<sup>۱</sup> و رفتار علمی معکوس<sup>۲</sup> را مورد مطالعه قرار داد، نتایج نشان داد که خودکنترلی به طور موفقیت آمیزی با رفتار شهروندی دانشگاه و همچنین رفتار علمی معکوس مرتبط است. به طوری که خودکنترلی بالا با رفتار شهروندی دانشگاه بالاتر و رفتار علمی معکوس پایین تر ارتباط داشته است. بر طبق نتایج کنونی و همچنین نتایج قبلی (تانجینی، ۲۰۰۴) خودکنترلی نقش حیاتی در ابعاد گسترده عملکرد تحصیلی دارد.

خودکنترلی یک عامل تأثیرگذار مهم بر عملکرد افراد (از جمله عملکرد تحصیلی) می باشد. این سازه شخصیتی می تواند در محیط های علمی تأثیر مثبت بر روی رفتار

---

<sup>1</sup> UCB

<sup>2</sup> CAB

پیش بینی عملکرد تحصیلی برحسب خودپنداشت، عزت نفس و خودکنترلی در دانش آموزان ابتدایی

های دانش جویان داشته باشد و در عین حال می تواند به شکل منفی بر روی عملکرد تحصیلی اثرگذار باشد.

از محدودیت های موجود در این پژوهش، محدودیت در نمونه مورد مطالعه می باشد. نمونه این پژوهش متشکل از تنها یک جنس (دختر) می باشد. با توجه به نقش گسترده مردان در اجتماع، این موضوع به نوبه خود امکان تعمیم دهی نتایج و اتخاذ تصمیمات اساسی در مورد شناخت متغیرهای مرتبط با عملکرد تحصیلی افراد در جامعه و نیز امکان مقایسه دو جنس را کاهش می دهد. محدودیت دیگر استفاده از قضاوت معلم براساس معدل دانش آموزان در مورد عملکرد تحصیلی دانش آموزان می باشد.

پیشنهادهایی جهت رفع محدودیت ذکر شده در قسمت اول محدودیت ها، به نظر می رسد اجرای پژوهش های بعدی در این زمینه و بر روی نمونه های بزرگ تر و متشکل از دو جنس و در نظر گرفتن نقش هر دو جنس در پیش بینی عملکرد تحصیلی، مؤثر باشد. برای رفع محدودیت ذکر شده در قسمت دوم می توان پژوهشگران در آینده از آزمونی محقق ساخته یا معلم ساخته برای سنجش عملکرد تحصیلی دانش آموزان استفاده کنند.

## منابع

- اتکینسون، ریتال؛ اتکینسون، ریچارد و هیلگارد، ارنست (۱۳۸۵). زمینه روان شناسی هیلگارد، ترجمه محمد نقی براهنی و همکاران، انتشارات رشد.
- بیابانگرد، اسماعیل (1382). بررسی رابطه میان مفاهیم منبع کنترل، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- بیابانگرد، اسماعیل، روش های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان، انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی، چاپ چهارم ۷۶.
- پورحسین، رضا (۱۳۸۳). روانشناسی خود، تهران؛ انتشارات امیر کبیر.
- پور افکاری، نصرت الله (1373)، فرهنگ جامع روان شناسی-روانپزشکی، جلد اول، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران، صفحه ۶۶۶.
- پورحسین، رضا؛ دادستان، پریرخ؛ اژه ای، جواد؛ کیامنش، علیرضا (۱۳۸۱). بررسی تحولی خود پنداشت در کودکان ۶ تا ۱۲ ساله و رابطه ی آن با طبقه ی اجتماعی و جنس. مجله روان شناسی ۲۳ (۳/۶)، ۳۵-۶۰.
- پورحسین، رضا (۱۳۸۹). روان شناسی خود، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- خوش نظر، فریده (۱۳۷۶). عوامل مؤثر بر نحوه نگرش دانش آموزان دبیرستانی نسبت به رشته تحصیلی شان و تأثیر آن بر عملکرد تحصیلی آن ها در بین رشته های مختلف، تجربی، ریاضی، انسانی و کار و دانش دختر و پسر در شهرستان صوفیان رساله کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز، دانشکده علوم اجتماعی.
- دادستان، پریرخ (۱۳۷۹). روان شناسی مرضی تحولی، تهران، انتشارات ژرف.
- رمز خویشتن شناسی یا روان شناسی اعتماد به نفس و احترام به خویشتن، تالیف ناتالین براندن، ترجمه جمال هاشمی، ناشر، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول ۷۵.
- سیاسی، علی اکبر (۱۳۶۷)؛ نظریه های شخصیت، دانشگاه تهران.
- شولتز، دوان؛ شولتز، سیدنی (۱۳۷۹). نظریه های شخصیت. (ترجمه یحیی سید محمدی)، تهران؛ موسسه نشر ویرایش.
- صالحی فدروی، جواد (۱۳۷۲-۷۳)، اثر تعدد نقش و احساس رضایت بر میزان عزت نفس و فشار روانی در دبیران زن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس،

پیش بینی عملکرد تحصیلی برحسب خودپنداشت، عزت نفس و خودکنترلی در دانش آموزان ابتدایی

دانشکده علوم انسانی.

کدخدای، زهرا (۱۳۸۸) بررسی تأثیر روش تدریس ریاضی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر دبیرستان‌های دولتی ناحیه ۱ و ۳ مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه مشهد.

محسنی، نیکچهره (۱۳۷۵). ادراک خودز "از کودکی تا بزرگسالی"، تهران: انتشارات بعثت.  
میرباقری، سید مزدک (۱۳۷۹). بررسی تأثیر بحث گروهی بر سطح پرخاشگری و سطح خودپنداره دانش آموزان پسر دبیرستان های منطقه ۶ تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.

- Alport, GW (1935). Handbook of social psychology, Clark university press.
- Bialystok, E., & Martin, M. (2004). Attention and inhibition in bilingual children: Evidence from the dimensional change card sort task. *Developmental Science*, 7, 325-339.
- Buckhalt, J., El-Sheikh, M., & Keller, P. (2007). Children's sleep and cognitive functioning: Race and socioeconomic status as moderators of effects. *Child Development*, 78, 213-231.
- Calkins, S. D., & Johnson, M. C. (1998). Toddler regulation of distress to frustrating events: Temperamental and maternal correlates. *Infant Behavior and Development*, 21, 379-395.
- Dahl, R. (1996). The regulation of sleep and arousal: Development and psychopathology. *Development and Psychopathology*, 8, 3-27.
- Eisenberg, N., Fabes, R. A., Shepard, S. A., Guthrie, I. K., Murphy, B. C., & Reiser, M. (1999). Parental reactions to children's negative emotions: Longitudinal relations to quality of children's social functioning. *Child Development*, 70, 513-534.
- Howse, R. B., Lange, G., Farran, D. C., & Boyles, C. D. (2003). Motivational and self-regulation as predictors of achievement in economically disadvantaged young children, *Journal of Experimental Education*, 71, 151-174.
- Langolois, E. M., & Mayes, L. C. (2008). Impact of prenatal cocaine exposure on the developing nervous system. In C. A. Nelson & M. Luciana (Eds.), *Handbook of developmental cognitive neuroscience* (2<sup>nd</sup> ed., pp. 653-676). Cambridge, MA: MIT Press.
- Marsh, H. W. (1990). The structure of academic self-concept: The marsh/shavelson model. *Journal of Educational Psychology*, Vol. 82: 623-639.

- Marsh, H. W. (1992). Content specificity of relations between academic achievement and academic self-concept. *Journal of educational psychology*, Vol. 84, no. 1:43-50.
- Mattson, S., Fryer, S., McGee, C., & Riley, p. (2008). Fetal alcohol syndrome. In C. A. Nelson & M. Luciana (Eds), *Handbook of developmental cognitive neuroscience* (2<sup>nd</sup> ed., pp. 643-652). Cambridge, MA: MIT Press.
- Oh, S., & Lewis, C. (2008). Korean preschooler's advanced inhibitory control and its relation to other executive skills and mental state understanding. *Child Development*, 79, 80-99.
- Pertrids, K.V, derickson, N and Furnham, A (2004). The role of trait emotional intelligence in academic performance and deviant behaviour at school.
- Rothbart, M. K., Derryberry, D., & Hershey, K. (2000). Stability of temperament in childhood: Laboratory infant assessment to parent report at seven years. In V. J. Molfese & D. L. Molfese (Eds), *Temperament and personality development across the life span* (p. 85). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Rueda, M. R., Posner, M. I., & Rothbart, M. K. (2005). The development of executive attention: Contribution to the emergence of self-regulation. *Developmental Neuropsychology*, 28, 573-594.
- Sabbagh, M., Xu, F., Carlson, S., Moses, L., & Lee, K. (2006). The development of executive functioning and theory of mind: A comparison of Chinese and U. S. preschoolers. *Psychological Science*, 17, 74-81.
- Shackman, J., Wismer Fries, A., & Pollak, S. (2008). Environmental influences on brain-behavioral development: Evidence from child abuse and neglect. In C. A. Nelson & M. Luciana (Eds.), *Handbook of developmental cognitive neuroscience* (2<sup>nd</sup> ed., pp. 869-881). Cambridge, MA: MIT Press.
- Souza Fleith, D; Renzulli, J.& Westberg, K.L. (2002). Effects of a creativity training program on divergent thinking abilities and self-concept in monolingual and bilingual classrooms. *Creativity research journal*, 14(384), P. 373-386.
- Smith, M. C, Zhan, G, Huntington, N, & Wethington, E. (1992). Is Clarity of Self Concept Related to Preferred Coping Styles?. Washington D. C: Poster presented at The American Psychological Association Annual Convention.
- Stang, J. D. (1972). Conformity, ability and self-esteem representative new search in social psychology, 30(2).
- Sutton, s., & Davidson, R. (1997). Prefrontal brain asymmetry: A biological substrate of the behavioral approach and inhibition systems *Psychological Science*, 8, 204-210.

پیش بینی عملکرد تحصیلی برحسب خودپنداشت، عزت نفس و خودکنترلی در دانش آموزان ابتدایی

Zyoudi, M.A. (2010). Differences in self-concept among student with and without learning disabilities inal karak district in jordan. International Journal of special education, vol, 125, no. 72-76.